

تأثیر جنگ لبنان بر راهبرد امنیت ملی اسرائیل

دکتر سید جلال دهقانی فیروزآبادی*

چکیده

راهبرد امنیت ملی اسرائیل به‌طور سنتی مترادف با راهبرد نظامی تعریف و تعقیب شده است. قدرت نظامی و جنگ، بازدارندگی، برتری فناوری و تسلیحاتی، پیشدستی، غافل‌گیری و تهاجم در چارچوب حملات برق‌آسا و نبرد کوتاه مدت اصول و مفاهیم بنیادین راهبرد سنتی امنیت ملی اسرائیل بوده‌اند. تهاجم گسترده اسرائیل به لبنان و جنگ تمام‌عیار با حزب‌ا... نیز اقدام در جهت تأمین و تحکیم امنیت ملی آن بود، زیرا هدف اصلی جنگ ۳۳ روزه، تأمین امنیت مناطق شمالی اسرائیل و امنیت روانی ملت یهود از طریق نابودی یا حداقل خلع سلاح و تضعیف حزب‌ا... بود. اما به اعتقاد بسیاری از تحلیل‌گران و اقرار بعضی از رهبران و استراتژیست‌های اسرائیلی، اسرائیل نتوانست به هیچ‌یک از اهداف اعلام شده خود دست یابد.

هدف این مقاله، واکاوی و تجزیه و تحلیل پیامدها و تأثیرات جنگ نامتقارن اخیر لبنان بر راهبرد امنیت ملی اسرائیل و بررسی دگرگونی و دگردیسی این راهبرد سنتی در اثر این تجربه است.

کلیدواژه: راهبرد امنیت ملی، پیشدستی، تهدیدهای نامتقارن، جنگ برق‌آسا، عمق استراتژیک، جنگ چریکی، امنیت مطلق.

* عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی.

مقدمه

راهبرد امنیت ملی به معنای راهها و شیوه‌های به‌کارگیری ابزار و وسایل مختلف برای دفع تهدیدهای خارجی و داخلی نسبت به ارزشهای بنیادی یک کشور است. بنابراین، راهبرد امنیت ملی که معطوف به عناصر قدرت ملی و کاربرد آن برای صیانت از امنیت ملی است با راهبرد نظامی تفاوت و تمایز داد؛ زیرا راهبرد نظامی تابعی از راهبرد کلان امنیت ملی است. تشریح بیشتر این مسئله بدین معناست که راهبرد نظامی به چگونگی توزیع و اعمال ابزار نظامی برای تحقق اهدافی می‌پردازد که در راهبرد کلان امنیت ملی تعریف شده است. به عبارت دیگر، راهبرد امنیت ملی اعم از راهبرد نظامی است و محدود به بکارگیری قدرت نظامی و زور نمی‌شود.^(۱)

ولی در اسرائیل به علت ماهیت نظامی - امنیتی دولت و نظامی‌گری، مرزهای راهبردهای کلان امنیت ملی و نظامی بر هم منطبقند و نظامیان و ارتش، نقش انحصاری در تدوین و اجرای آنها ایفا می‌کنند. همان‌گونه که هارولد لاسول^۱ استدلال می‌کند، اسرائیل یک «دولت پادگانی»^۲ است که نظامیان و ارتش در اداره و هدایت آن از جایگاه و نقشی منحصربه‌فرد و اصلی برخوردارند؛^(۲) زیرا رابطه تنگاتنگ و وثیقی میان شکل‌گیری ارتش و تأسیس اسرائیل از آغاز وجود داشته است. به عبارتی دیگر نیروی نظامی در فرایند دولت‌سازی، ملت‌سازی و ادامه حیات آنها نقش اولیه و اساسی ایفا کرده است. ارتش هم علت وجودی دولت یهودی و هم علت بقاء و استمرار آن بوده است.

بنابراین، به‌طور سنتی و برخلاف معمول، در اسرائیل راهبرد امنیت ملی و راهبرد نظامی یکسان و همسان بوده است، به گونه‌ای که ارتش و نظامیان «ابزارها» و «اهداف» ملی و امنیت ملی اسرائیل را تعریف و تعیین کرده‌اند. این بدان معناست که مهم‌ترین ابزار تأمین امنیت اسرائیل، قدرت نظامی و جنگی بوده است و منابع و عناصر دیگر نقش و کاربرد درجه دو و ابزاری داشته‌اند. بدین ترتیب، راهبرد «امنیت ملی» و «راهبرد نظامی» در اسرائیل به‌صورت مترادف به‌کار می‌رود.

فراتر از این، به علت همزاد بودن تهدیدهای نظامی خارجی علیه اسرائیل موجودیت و امنیت این کشور همواره در معرض خطر قرار داشته است. چون اسرائیل

1. Harold Lasswell

2. Garrison State

با اشغال سرزمینی، قوه قهریه و نیروی نظامی تأسیس شد، به تبع آن کشورهای عربی همسایه نه تنها آن را به رسمیت نشناختند بلکه درصدد نابودی و محو آن برآمدند. در نتیجه برای اسرائیل تهدید امنیت ملی در تهدیدهای نظامی خلاصه شده و به دنبال آن امنیت ملی نیز مساوی امنیت نظامی شده است. به همین دلیل، راهبرد امنیتی اسرائیل از ماهیتی نظامی و معطوف به تهدیدهای نظامی اعراب برخوردار بوده است. بر این اساس، اسرائیل تلاش کرده است با به کارگیری شیوه‌ها و ابزارهای نظامی و در رأس آن جنگ یا تهدید به جنگ، این تهدیدها را خنثی و دفع سازد.^(۳)

بنابراین، تهاجم گسترده اسرائیل به لبنان و جنگ تمام‌عیار با حزب ... را باید ابزاری برای تأمین و تحکیم امنیت ملی دانست. حمله همه‌جانبه اسرائیل به لبنان که به تلافی عملیات نظامی حزب ... صورت گرفت، اقدامی طراحی و سازماندهی شده از قبل بود که^(۴) هدف اصلی آن تأمین امنیت مرزهای شمالی اسرائیل از طریق نابودی و حداقل خلع سلاح حزب ... محسوب می‌شد. رهبران سیاسی و فرماندهان نظامی اسرائیل بر این اعتقاد بودند که طی یک عملیات نظامی کوبنده و کوتاه‌مدت در کمتر از ۷۲ ساعت قادر خواهند بود توان و تهدید حزب ... را نابود سازند. زیرا، باتوجه به قدرت نظامی پیشرفته اسرائیل، نیروی مقاومت اسلامی نمی‌توانست بیش از چند روز در برابر تهاجم اسرائیل مقاومت کند. تاریخ جنگهای اعراب و اسرائیل نیز این امر را تأیید می‌کرد.

هدف این مقاله واکاوی تأثیرات جنگ ۳۳ روزه لبنان بر راهبرد امنیت ملی اسرائیل است. به عبارت دیگر منظور پاسخگویی به این پرسش اساسی است که، جنگ اخیر لبنان چه پیامدهایی برای راهبرد امنیت ملی اسرائیل خواهد داشت؟ پاسخ احتمالی به این سؤال به‌عنوان فرضیه، عبارت است از: در اثر ناکامی و عدم موفقیت اسرائیل در تأمین و تحقق اهداف خود در چارچوب راهبرد و رهنمای نظامی سنتی، استراتژی امنیت ملی آن جهت مقابله با تهدیدهای نامتقارن بر پایه اصول و مفاهیم نوین دفاع همه‌جانبه، کاربست قدرت نرم و غیرنظامی، پیشگیری، بازدارندگی نامتعارف و تفوق تکنولوژیک دستخوش دگرگونی و دگردیسی خواهد شد.

برای آزمون این فرضیه، نخست، ماهیت و اصول سنتی راهبرد امنیت ملی اسرائیل توضیح داده خواهد شد. سپس در بخش دوم، تلاش می‌شود، با مرور و مطالعه عملکرد اسرائیل در طول جنگ، کارآمدی این اصول مورد بحث، بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

قسمت سوم نیز به تجزیه و تحلیل چگونگی تأثیرپذیری راهبرد امنیت ملی اسرائیل از جنگ می‌پردازد و سرانجام، استنتاجات منطقی بحث در قالب نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

راهبرد امنیت ملی اسرائیل

راهبرد امنیت ملی اسرائیل بر این اصول استوار است: اولویت قدرت نظامی، بازدارندگی، برتری فناوری و تسلیحاتی، پیشدستی، غافلگیری و تهاجم در چارچوب حملات برق‌آسا و جنگ کوتاه‌مدت. در این راهبرد اسرائیل، قدرت نظامی و جنگ مهم‌ترین ابزار و سازوکار تأمین امنیت ملی به‌شمار می‌رود. به‌گونه‌ای که اسرائیل بلافاصله پس از شکل‌گیری، تلاش کرد ارتش و نیروی نظامی قدرتمندی را تشکیل دهد که قادر به مقابله با تهدیدهای اعراب باشد. در این میان انواع دیگر قدرت، مانند اقتصاد و فناوری پیشرفته نیز به عنوان پیش‌نیاز توسعه قدرت نظامی مورد توجه و استفاده بوده است. بر این اساس، بودجه نظامی سالانه اسرائیل ۱۱ میلیارد دلار معادل ۱۵ درصد تولید ناخالص ملی آن است. تنها در دهه ۱۹۹۰ بیش از ۲۵ درصد تولید ناخالص داخلی اسرائیل صرف هزینه‌های نظامی شده است.^(۵)

جنگهای کوتاه‌مدت و حملات برق‌آسا اصل دیگر راهبرد امنیت ملی اسرائیل است که با عملیات تهاجمی امکان‌پذیر می‌باشد. اسرائیل به علت محاصره در بین کشورهای عربی و عدم برخورداری از عمق استراتژیک و نیروی انسانی کم، قادر نیست در چند جبهه به‌طور همزمان در داخل خاک خود بجنگد، به همین دلیل عملیات تهاجمی، به اسرائیل این امکان را می‌دهد، برای دستیابی به آزادی عمل و ابتکار در عملیات، تهاجم را به‌صورت غافلگیرانه علیه اعراب آغاز کند. هدف از این عملیات غافلگیرانه، سلب قدرت تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی جنگی از کشور مورد هجوم می‌باشد. همچنین در یک نبرد تهاجمی اسرائیل می‌تواند از برتری تاکتیکی و فناوری خود به نحو احسن استفاده کند و از درگیر شدن در یک جنگ فرسایشی و تحمل تلفات بیش از حد پرهیز کند.

یکی دیگر از اصول راهبردی اسرائیل، پیشدستی در تهاجم و عملیات است. پیشدستی رابطه تنگاتنگی با اصل تهاجم دارد و در چارچوب آن معنا می‌یابد. چون اسرائیل فاقد عمق استراتژیک و موانع دفاعی طبیعی لازم است، در صورت تهاجم کشورهای عربی به این کشور، دفاع نظامی از امنیت ملی بسیار مشکل و دشوار خواهد بود. بنابراین راه‌حل و سازوکار، پیشدستی در تهاجم و سبقت‌گرفتن از دشمنان است.

جنگ پیشدستانه یکی از ارکان راهبرد امنیت ملی اسرائیل است. به طوری که بسیاری از استراتژیست‌ها آن را اصل بنیادین و محور دکترین نظامی - امنیتی اسرائیل می‌دانند.^(۶) پیشدستی در تهاجم، اسرائیل را قادر می‌سازد تا به سرعت جنگ را به داخل خاک کشورهای عربی بکشانند و در آنجا به نبرد پردازد، از این طریق اسرائیل می‌تواند هم فقدان عمق استراتژیک و هم هزینه‌ها، تلفات و خسارات خود را کاهش دهد.

برتری تکنولوژیک و تسلیحاتی نیز اصل چهارم راهبرد نظامی و امنیتی اسرائیل می‌باشد. کمی جمعیت اسرائیل در مقایسه با کشورهای عربی و کمبود نیروی انسانی، باعث شده است تا از فناوری پیشرفته و تسلیحات فوق‌مدرن برای جبران این ضعف‌های راهبردی استفاده شود. لذا، اسرائیل به ایجاد صنایع نظامی عظیمی اقدام کرد تا با تولید و ساخت سلاح‌های پیشرفته، خودکار و هوشمند تفوق و برتری نظامی‌اش را بر ارتش‌های عربی تضمین نماید، به گونه‌ای که توسعه توانایی‌های تسلیحاتی - تکنولوژیک اسرائیل فراتر از سلاح‌های متعارف رفته و فناوری هسته‌ای و سلاح اتمی را نیز شامل می‌شود.^(۷) که این تسلیحات جایگاه ویژه‌ای در راهبرد امنیتی اسرائیل دارد. برای نمونه اسرائیل جهت مقابله با تهدیدهای موشکی، سیستم بسیار پیشرفته دفاع ضد موشکی آرو^۱ و ۲ را ایجاد کرده است، علاوه بر این تولید تانک‌های میرکاوا و تسلیحات زرهی فوق‌مدرن نیز نمونه دیگری از این واقعیت می‌باشد.

ولی بدون تردید، مهمترین اصل راهبرد امنیت ملی اسرائیل، بازدارندگی است که اصول دیگر برای عملی کردن آن مورد استفاده قرار می‌گیرد. بازدارندگی به معنای تهدید اعراب به وارد آوردن خسارت غیرقابل قبول و تلافی‌جویانه جهت بازداشتن آنان از حمله به اسرائیل است. درحقیقت اسرائیل تلاش کرده با تقویت بنیه نظامی - تسلیحاتی خود و تهدید به جنگ پیشگیرانه، کشورهای عربی را از تهاجم و جنگ بازدارد. این بازدارندگی شامل هر دو نوع متعارف و غیرمتعارف می‌شود: از یک طرف، اسرائیل سعی دارد با تسلیح و تجهیز به سلاح‌های پیشرفته متعارف، بر اعراب برتری یابد و از این طریق آنان را از دست‌زدن به جنگ منصرف سازد؛ از سوی دیگر، اسرائیل با تولید سلاح هسته‌ای، برتری کیفی نظامی خود به کشورهای عربی را کامل کرده است تا به این وسیله آنان را از حمله به اسرائیل بازدارد. هدف اصلی این بازدارندگی این است که

اعراب درک کنند که مناقشه با اسرائیل را نمی‌توانند از راه نظامی و جنگ حل کنند زیرا ارتش اسرائیل شکست‌ناپذیر است و در نتیجه، به این جمع‌بندی برسند که از جنگیدن با اسرائیل دوری گزینند.^(۸)

ناکارآمدی راهبرد سنتی اسرائیل

ناکامی و عدم موفقیت ارتش اسرائیل در تحقق اهداف اعلامی، به‌ویژه خلع سلاح و نابودی حزب ...، بیانگر ناکارآمدی و نامناسب بودن راهبرد امنیت ملی سنتی آن است. به‌گونه‌ای که اصول سنتی این راهبرد، قابلیت و توانایی‌ای برای مقابله و مواجهه با تهدیدهای امنیتی نامنقارن جنگ چریکی و پارتیزانی را ندارند. زیرا، این اصول براساس محیط راهبردی و تهدیدهای نظامی ارتشهای کلاسیک کشورهای عربی تدوین و اتخاذ شده‌اند، درحالی‌که حزب ... یک جنبش فراگیر اجتماعی - سیاسی است که دارای ابعاد نظامی - امنیتی غیرمتعارف و نامنظم می‌باشد.

بنابراین، قدرت برتری نظامی و ارتش مجهز و پیشرفته اسرائیل که توانست در جنگهای پیشین اعراب و اسرائیل امنیت نظامی آن را تأمین کند، از تحقق این هدف و کارکرد اولیه خود بازماند. پس از ۳۳ روز نبرد همه‌جانبه، حزب ... و نیروی مقاومت اسلامی در لبنان نه‌تنها خلع سلاح و نابود نشد، بلکه قدرتمندتر از گذشته شده است. یک ارتش کلاسیک پیشرفته مسلح به تسلیحات زرهی، هواپیماها، موشکها، بمبهای هوشمند و ناوچه‌های فوق مدرن شاید بهترین ابزار برای یک جنگ سنتی باشد، ولی برای رویارویی با نیروهای نامنظم و جنگ چریکی مناسب و کارآمد نیست.^(۹)

جنگ اسرائیل با حزب ... آشکار ساخت که شیوه‌ها و روشهای نظامی مبتنی بر قدرت نیروی هوایی، زرهی و موشکی نمی‌تواند یک جنبش شبه‌نظامی را نابود سازد. برعکس، الگوی جنگ کوزوو و عراق که از سوی اسرائیل اتخاذ و اجرا شد نه‌تنها بدنه اجتماعی، سیاسی و نظامی آن را تضعیف نکرد بلکه اراده و عزم آنان را برای مقاومت افزایش داد. درواقع اسرائیل در نبرد با حزب ... گرفتار نوعی «معمای امنیتی»^۱ شد. به‌طوری که تهاجم گسترده به حزب ... جهت تأمین امنیت مطلق صورت گرفت اما این

عملیات نظامی و جنگ تمام‌عیار بر ضد نیروی مقاومت اسلامی حداقل امنیت موجود را نیز به مخاطره انداخت.

شکست راهبرد نظامی و جنگ تمام‌عیار حزب ... در تأمین امنیت اسرائیل به‌ویژه مناطق شمالی، انتقادات و مخالفت‌های داخلی با راهکارهای نظامی و جنگ را در پی داشته است. تلفات نظامی و غیرنظامی ناشی از جنگ و عملیات تلافی‌جویانه حزب ... هزینه‌های روانی و اقتصادی جنگ، مطلوبیت و مشروعیت راه‌حل نظامی نزد افکار عمومی اسرائیل را کاهش داده است. بسیاری از اسرائیلیها بر این اعتقادند که جنگ با حزب ... نه تنها نتوانست امنیت نظامی را تأمین کند بلکه امنیت روانی، اقتصادی و اجتماعی آنان را نیز به خطر انداخت. در نتیجه، جنگ و عملیات نظامی که به‌طور سنتی یکی از ارکان اسرائیل و بنیاد مشروعیت نظام سیاسی آن بود، در اثر جنگ با حزب ... منشاء ناامنی و بی‌ثباتی سیاسی گردید.^(۱۰)

اصل تهاجم مبنی بر حملات هوایی و موشکی بر ق‌آسا و جنگ کوتاه‌مدت به منظور کشیدن نبرد به خاک دشمن و پرهیز از جنگ بلندمدت و فرسایشی جهت کاهش تلفات و خسارات، نیز در عمل ناموفق و ناکام بود. اگرچه اسرائیل در چارچوب راهبرد نظامی - امنیتی خود از این تاکتیک برای نابودی حزب ... و زیرساخت‌های اقتصادی لبنان بهره گرفت. اما به علت ماهیت چریکی و تحرک سریع نیروهای حزب ... با شکست مواجه شد. زیرا حملات بر ق‌آسا، با جنگ کلاسیک با ارتش‌های منظم تناسب دارد ولی در یک جنگ پارتیزانی کارآمد نیست. در نتیجه، با تاکتیک‌های جنگ و گریز حزب ... و موشک‌باران مناطق شمالی اسرائیل، این اصل استراتژی نظامی اسرائیل خنثی و بی‌اثر گردید.^(۱۱)

برتری تکنولوژیک و تسلیحاتی نیز در جنگ‌های متقارن که توازن و تناسب نسبی بین دو طرف وجود دارد، معنادار و مؤثر است. ولی در یک جنگ نابرابر و نامتقارن که هیچ‌گونه تقارن و تناسبی بین تواناییهای تسلیحاتی و تجهیزاتی دو طرف وجود ندارد، کم اثر خواهد بود. برخلاف جنگ‌های پیشین با اعراب، اسرائیل در جنگ ۳۳ روزه نتوانست به نحو احسن از تفوق و برتری فناوری خود سود ببرد. چون از یک طرف، قدرت حزب ... در حمایت عمومی و مردمی نهفته است که مهم‌ترین مزیتشان روحیه و اراده مقاومت و مبارزه ملی می‌باشد و از سوی دیگر، به‌کارگیری برتری تکنولوژیک در برابر شهروندان بی‌دفاع، عدم تقارن سیاسی - استراتژیک را نیز به نفع نیروی

مقاومت اسلامی برهم زد؛ تحولی که اسرائیل را در نزد افکار عمومی جهان عرب و اسلام بی‌اعتبار ساخت. فراتر از این، حزب ا... با بهره‌گیری از سیستم موشکی پیشرفته کوتاه برد و ضد تانک، عملاً سیستم دفاع ضد موشکی و نیروی زرهی اسرائیل را خنثی و ناکارآمد کرد.^(۱۲)

پیشدستی نیز به‌عنوان یک اصل بنیادی در راهبرد امنیت ملی اسرائیل، در نبرد با حزب ا... بی‌اثر و خنثی ماند. به‌طور سنتی اسرائیل به منظور اجتناب از جنگ فرسایشی و بلندمدت و همچنین کشاندن نبرد به خاک اعراب دست به عملیات پیشدستانه زده است. در جنگ اخیر لبنان نیز، همان‌گونه که توضیح داده شد، اسرائیل درصدد تهاجم غافلگیرانه به حزب ا... بود، اما حزب ا... همانند جنگ ۱۹۷۳م، اسرائیل را غافلگیر نمود و براساس اطلاعات فوق سری کسب شده از ارتش اسرائیل، در آغاز عملیات نظامی پیشدستی کرد؛ این اقدام طرح و برنامه نظامی و راهبردی اسرائیل را برهم زد و آن را مجبور به جنگ پیش از موعد با حزب ا... نمود که در نتیجه آن هیچ یک از دو کارکرد جنگ پیشدستانه از سوی اسرائیل محقق نشد. زیرا اولاً علی‌رغم خواست و انتظار اسرائیل، جنگ طولانی شده به‌صورت فرسایشی درآمد و ثانیاً، در اثر حملات موشکی حزب ا... به مناطق شمالی اسرائیل برای اولین بار جنگ به داخل خاک اسرائیل کشیده شد.

ناکارآمدی اتکای به اصول قدرت نظامی، تهاجم، برتری فناوری، پیشدستی و غافلگیری در نبرد با حزب ا...، اسرائیل را بر آن داشت تا تمام توان عملیاتی خود را بر نیروی بازدارندگی متمرکز کند.^(۱۴) برپایه این اصل، اسرائیل تلاش کرد با افزایش بیش از حد هزینه‌ها و خسارات جنگ، حزب ا... و نیروی مقاومت اسلامی را از ادامه جنگ و مقاومت باز دارد. تخریب مناطق مسکونی، انهدام زیربنای اقتصادی - اجتماعی لبنان، کشتار غیر نظامیان، همانند فاجعه قانا، از جمله این سیاستها و ساز و کارهای بازدارنده، به‌شمار می‌رود. اما هیچ یک از این اقدامات بازدارنده نتوانست از عملیات نظامی حزب ا... و مقاومت مردم لبنان جلوگیری کند. فراتر از این، عدم موفقیت اسرائیل در نبرد با حزب ا... اسطوره شکست‌ناپذیری ارتش اسرائیل را باطل ساخت؛ به‌گونه‌ای که مهم‌ترین کارکرد اصل بازدارندگی یعنی بازداشتن اعراب از انتخاب گزینه نظامی تضعیف و خنثی شده است.^(۱۵)

یکی از مهم‌ترین دلایل ناکامی این سیاست، عدم تقارن روحیه، نیت و هنجار بین ارتش اسرائیل و جنگجویان حزب ... می‌باشد. جنبش مقاومت اسلامی لبنان که برای آزادسازی بخشهای اشغالی این کشور، می‌جنگد، از اراده، عزم و روحیه بسیار بالایی برای جنگ و مبارزه برخوردار است. فراتر از این، ارزشها و هنجارهای اسلامی، همانند شهادت‌طلبی و جهاد، مبارزان حزب ... را به نهراسیدن از کشته شدن و تحمل هزینه‌ها و خسارات مالی و جهانی ترغیب می‌کند.

بسیاری از مقامات و استراتژیستهای اسرائیلی نیز به ناکارآمدی راهبرد نظامی و شکست ارتش در جنگ لبنان اقرار کرده‌اند. برای نمونه وزیر خارجه اسرائیل در پاسخ به انتقادات به شیوه عملکرد اسرائیل در جنگ ۳۳ روزه اظهار داشت که بزرگ‌ترین و قدرتمندترین ارتش جهان نیز قادر نیست حزب ... را نابود سازد. همچنین، افی بازر، سخنگوی حکومت اسرائیل به فرانس پرس گفت که کمیته تحقیق جهت مطالعه و بررسی کاستیها و نارساییهای تاکتیکیها و راهبردهای اسرائیل در جنگ لبنان تشکیل خواهد شد.^(۱۶) روزنامه معاریو در تیتراول خود نوشت: «ما جنگ را باختیم. حزب ... پیروز است.»^(۱۷) هآرتص هم اینگونه نگاشت: «این جنگ ناموفق‌ترین جنگی بوده که اسرائیل تاکنون با آن روبه‌رو بوده است.»^(۱۸) بنیامین بن الیعازر، وزیر جنگ پیشین اسرائیل، صراحتاً اعلام داشت که اسرائیل جنگ را به حزب ... باخت و باید آن را پذیرفت.^(۱۹)

بازتعریف راهبرد سنتی

ناکارآمدی و ناکامی راهبرد امنیت ملی اسرائیل در تأمین امنیت آن در جنگ ۳۳ روزه، موجب بازنگری و بازتعریف اصول و مفاهیم آن خواهد شد. مقاومت و پایداری غیرمنتظره نیروهای حزب ... در برابر ارتش اسرائیل رهبران و استراتژیستهای اسرائیل را به ناکارایی و عدم مطلوبیت استراتژی نظامی سنتی واقف ساخته است. زیرا، راهبرد صرف نظامی مبتنی بر به‌کارگیری نیروی ارتش، تهاجم و برتری فناوری، پیشدستی و باردارندگی قادر نیست تهدیدات و آسیب‌پذیریهای آن در جنگهای نامنظم را خنثی و دفع نماید. لذا، در شرایط جدید منطقه‌ای و بین‌المللی پس از جنگ لبنان، تحول در تفکر و راهبرد امنیت ملی اسرائیل اجتناب‌ناپذیر است.^(۲۰)

اولین پیامد شکست ارتش اسرائیل در خلع سلاح و نابودی حزب ا...، بازنگری و باز تعریف مفهوم امنیت ملی اسرائیل خواهد بود. امنیت ملی که مترادف و همسان امنیت نظامی تلقی می‌شد، با تهدیدها و واقعیتهای امنیتی جدید اسرائیل منطبق و سازگار نیست. جنگ اخیر لبنان نشان داد که امنیت ملی اسرائیل تنها به محدوده امنیت نظامی‌ای که از سوی ارتشهای کلاسیک تهدید می‌شود، نیست. امروزه ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی امنیت ملی اسرائیل نیز از ناحیه نیروهای شبه نظامی و جنگهای چریکی در معرض تهدید و خطر می‌باشد. تهدیدهای که با راهبردها و تاکتیکهای سنتی معطوف به جنگ کلاسیک نمی‌توان آن را دفع و خنثی ساخت. در نتیجه، در راهبرد امنیت ملی، علاوه بر بُعد نظامی امنیت باید ابعاد دیگر آن نیز مدنظر قرار گیرد که صرفاً از طریق جنگ تأمین نمی‌شود.^(۲۱)

به‌طور طبیعی اگر امنیت ملی چند بُعدی باشد، قدرت ملی نیز در قدرت نظامی محدود و منحصر نمی‌شود. یعنی از طریق ارتش و تقویت نیروی نظامی نمی‌توان امنیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی را تأمین کرد، چون قدرت نظامی همواره قابلیت تبدیل به انواع دیگر قدرت را ندارد و هر یک از حوزه‌های موضوعی^۱ نیز دارای قدرت خاص خود می‌باشند. بنابراین، برای تأمین امنیت ملی، علاوه بر قدرت نظامی، انواع دیگر قدرت نیز لازم و ضروری است، واقعیتی که در راهبرد امنیت ملی اسرائیل کمتر مورد توجه قرار گرفته است. فراتر از این، نیروی نظامی و ارتش، حتی در تأمین امنیت نظامی که از سوی حزب ا... مورد تهدید قرار گرفت عاجز و ناتوان بود. واقعیتی که بیانگر عدم مطلوبیت قدرت نظامی صرف و ارتش در حوزه امنیت ملی می‌باشد.^(۲۲)

کاهش مطلوبیت نیروی نظامی و ارتش در تأمین امنیت ملی، جایگاه و نقش اصول دیگر راهبرد نظامی سنتی اسرائیل در راهبرد امنیت ملی آن را دستخوش تغییر و تحول می‌کند. حتی این اصول و مفاهیم در راهبرد نظامی اسرائیل نیز دچار تحول مفهومی خواهد شد. راهبرد نوین امنیت ملی اسرائیل در قبال تهدیدهای حزب ا... بُعد تدافعی بیشتری خواهد یافت، زیرا قدرت تهاجمی اسرائیل نتوانست از حملات موشکی حزب ا... جلوگیری کند. به‌ویژه سیستم دفاع ضد موشکی اسرائیل مورد بازنگری قرار خواهد گرفت تا بتواند موشکهای کوتاه برد را ردیابی و رهگیری نماید. البته این امر به معنای

آن نیست که ارتش اسرائیل دست به تهاجم نخواهد زد. اما بدون تردید، اصل تهاجم استراتژیک و عملیاتی نقش سنتی خود را از دست خواهد داد.^(۲۳)

اصل پیشگیری به تدریج جایگزین پیشدستی عملیاتی در راهبرد امنیت ملی اسرائیل خواهد شد. زیرا برای رویارویی و مقابله با یک جنبش شبه نظامی که فاقد پایگاهها و تأسیسات نظامی ثابت، نیروی نظامی منظم و ارتش کلاسیک است، پیشدستی در آغاز جنگ کارآمدی لازم را ندارد.^(۲۴) لذا جهت مقابله با تهدیدات ناشی از حزب ا... باید از رشد و تقویت قدرت آن جلوگیری نمود. اصل پیشگیری برخلاف پیشدستی بر مبنای قدرت و راهبرد نظامی به صورت جنگ تعریف و اجرا نمی گردد، بلکه پیشگیری بر اولویت و اهمیت ابزارها و سازوکارهای غیرنظامی، همانند دیپلماسی، صلح و سازش، ائتلاف سازی و چندجانبه گرایی امنیتی استوار است.

به اعتقاد رهبران اسرائیل، جنبش مقاومت اسلامی در لبنان و فلسطین در بنیادگرایی اسلامی ریشه دارد که معلول مستقیم انقلاب اسلامی ایران است. لذا، با عادی سازی روابط سیاسی و اقتصادی با جریان عرب و اسلام و سپس ایجاد یک ائتلاف منطقه ای و بین المللی علیه جمهوری اسلامی و متحد آن، سوریه، امنیت اسرائیل را بهتر می توان تأمین کرد. اگرچه این سیاست در دوران حاکمیت احزاب کارگر و لیکود تعریف و تفسیر واحدی ندارد، ولی همواره به عنوان یکی از عناصر راهبرد امنیت ملی نوین اسرائیل وجود داشته است.

اسرائیل ادعا داد که حزب ا... به نمایندگی از ایران و سوریه وارد جنگ شد پس جنگ ۳۳ روزه یک جنگ نیابتی^۱ به شمار می رفت و اسرائیل درحقیقت با ایران و سوریه می جنگید. بر این اساس بسیاری از منتقدان اسرائیلی استدلال می کنند که یکی از مهم ترین دلایل شکست ارتش در نبرد اخیر لبنان، عدم توجه و اقدام اسرائیل برای جلوگیری از تسلیح و تجهیز حزب ا... می باشد. برای نمونه در جریان مجادله ای که در کابینه اسرائیل بین شائول موفاز و عمیر پریتز، وزیران پیشین و فعلی دفاع، رخ داد پریتز وزیران دفاع پیشین را مسئول وضعیت پیش آمده دانست. چون آنان از سال ۲۰۰۰م که ارتش از جنوب لبنان عقب نشینی کرد، اقدامات پیشگیرانه لازم را برای جلوگیری از قدرتمند شدن و تسلیح حزب ا... صورت نداده بودند.^(۲۵)

یکی از ابعاد و ارکان سیاست پیشگیری در راهبرد امنیت ملی اسرائیل، دیپلماسی و ساز و کارهای سیاسی جهت خلع سلاح و تضعیف موقعیت حزب ... در ساختار سیاسی - اجتماعی لبنان است. اسرائیل از زمان ترور رفیق حریری و صدور فصلنامه ۱۵۵۹ شورای امنیت، تلاش کرد بدون توسل به جنگ به این هدف استراتژیک دست یابد. پس از پایان جنگ نیز اسرائیل سعی دارد در چارچوب قطعنامه ۱۷۰۱ و حمایت از رقبا و نیروهای مخالف حزب ... به این امر تحقق بخشد. در حقیقت هدف اسرائیل، تحقق اهدافی است که از طریق جنگ نتوانست به آن دسترسی پیدا کند.^(۲۶) سیاستی که واکنش شدید حزب ... را برانگیخت و منجر به جبهه‌گیری علیه حکومت فواد سینیوره، نخست‌وزیر، لبنان شده است.

اما اصل برتری تکنولوژیک همچنان نقش خود در راهبرد امنیت ملی اسرائیل را حفظ کرده و اهمیت و ضرورت بیشتری نیز خواهد یافت. این تفوق فناوری در حوزه‌ها و بخشهای نظامی خاص هم تقویت خواهد شد، به‌ویژه آنکه اسرائیل تلاش می‌کند تا ضعفها و نقصهای سیستم دفاع ضد موشکی را برطرف سازد و توان دفاعی نیروی زرهی را افزایش دهد تا دو مکان آسیب‌پذیر و پاشنه آشیل ارتش در جنگ اخیر لبنان را بازسازی و ترمیم نماید. یعنی ناتوانی در انهدام موشکهای کوتاه‌برد و مقابله با موشکهای ضد تانک حزب

البته این برتری فناوری به تقویت و توسعه نیروی نظامی و ارتش محدود نمی‌گردد، بلکه عرصه‌های غیرنظامی، صنعتی و اقتصادی را نیز دربر می‌گیرد. اسرائیل در جریان انتفاضه فلسطین و جنگ ۳۳ روزه لبنان به‌خوبی درک کرد که با اتکای صرف بر برتری نظامی نمی‌توان امنیت ملی را تأمین کرد. بنابراین، به موازات حفظ هژمونی نظامی باید در زمینه سیاست و سلطه اقتصادی - صنعتی نیز گام برداشت. واقعیتی که شیمون پرز، نخست‌وزیر پیشین اسرائیل، بلافاصله پس از شروع روند صلح اعراب و اسرائیل اهمیت استراتژیک آن را یادآور گردید.^(۲۷) اما همان‌گونه که توضیح داده شد، برتری تکنولوژیک در راهبرد نظامی اسرائیل منزلت و مکانت بالاتری خواهد یافت، زیرا می‌تواند ضعفهای ژئوپولیتیک اسرائیل مانند کمی عمق استراتژیک، مرزهای ناپایدار و کمی تعداد نیروی انسانی را جبران کند.

علی‌رغم ناکامی اصلی بازدارندگی اسرائیل در جنگ با حزب ...، این سیاست همچنان به‌صورت یکی از ارکان راهبرد نظامی اسرائیل ادامه خواهد یافت.^(۲۸) اگرچه

بسیاری از تحلیل‌گران عرب بر این اعتقادند که شکست اسرائیل در لبنان، این اصل را منسوخ ساخت، ولی واقعیت آن است که اسرائیل درصدد بازسازی و بازیابی آن برخواید آمد. نخست اسرائیل سعی خواهد کرد که بین قدرت ارتشهای منظم اعراب و نیروهای نامنظم چریکی همانند حزب ا... تفکیک و تمایز قائل شود. یعنی به کشورهای عرب همسایه به‌ویژه سوریه تفهیم کند که براساس تجزیه حزب ا... دست به اقدام نظامی نزنند، زیرا با واکنش شدید اسرائیل مواجه خواهد شد که برای یک دولت - ملی قابل تحمل نیست.

دوم، سیاست بازدارندگی پیش از آنکه برای بازداشتن کشورهای همسایه پیگیری شود، جهت دورنگه‌داشتن قدرت ایران اتخاذ خواهد شد: در این میان اولاً اسرائیل همانند سالهای گذشته، تلاش می‌کند با همکاری آمریکا، جمهوری اسلامی ایران را از دستیابی به توان هسته‌ای به‌طور کلی بازدارد، سران اسرائیل بارها اعلام داشته‌اند که ایرانی هسته‌ای را که به زعم آنان در جهت تولید بمب اتمی قدم برمی‌دارند، تحمل نخواهند کرد، ثانیاً اسرائیل ممکن است، سطح بازدارندگی را از سلاحها و جنگ متعارف به سطح سلاحهای غیرمتعارف ارتقاء دهد.^(۲۹) اعتراف اخیر اولمرت مبنی بر مالکیت سلاح هسته‌ای و بمب اتمی به‌وسیله اسرائیل در این راستا تحمیل می‌شود.

نتیجه‌گیری

ماهیت نامتقارن جنگ ۳۳ روزه لبنان، راهبرد امنیت ملی اسرائیل را با چالشهای شدید و جدی‌ای مواجه ساخت و ناکامی نیروی نظامی ارتش و جنگ در خلع سلاح و نابودی حزب ا...، نظریه و اصول بنیادی راهبرد امنیت ملی اسرائیل را زیر سؤال برد. به‌ویژه تأثیر جنگ بر سه اصل و مفهوم امنیت ملی اسرائیل چشمگیر می‌باشد: اولاً ناکارآمدی قدرت نظامی و جنگ در تأمین امنیت اسرائیل در همه عرصه‌ها و حوزه‌ها آشکار گردید، عدم مطلوبیت زور و عملیات نظامی ممکن است باعث بازتعریف نظریه امنیت ملی اسرائیل گردد که با امنیت نظامی مترادف و یکسان پنداشته می‌شد. لذا، پیش‌بینی می‌شود که جنگ لبنان رهبران سیاسی و نظامی اسرائیل را بر آن دارد تا راهبرد امنیت ملی را از راهبرد نظامی متمایز سازند. این تمایز مستلزم تعریف گسترده‌تری از امنیت ملی است که علاوه بر بعد نظامی، ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را نیز دربر گیرد.

ثانیاً در جریان جنگ، بیشترین ضربه به کارکرد و اعتبار استراتژی بازدارندگی اسرائیل وارد شد. چون از زمان شکل‌گیری اسرائیل در سال ۱۹۴۸م تلاش شده است تا اعراب را از ذکر حمله و جنگ بازدارند؛ به‌گونه‌ای که در جنگ اکتبر ۱۹۷۳م به بعد، کشورهای عربی از ترس تهاجم تلافی‌جویانه و پرهزینه اسرائیل، گزینه نظامی و جنگ را از استراتژی خود خارج ساختند. اما شکست ارتش اسرائیل و مقاومت یک‌ماهه حزب ا... شدیداً به این سیاست لطمه زد. در نتیجه به نظر می‌رسد که در آینده بازدارندگی پیرامونی و غیرمتعارف، جایگزین مفهوم سستی و متعارف آن گردد. نوعی از بازدارندگی که بیشتر معطوف به جمهوری اسلامی ایران خواهد بود، تا اعراب.

ثالثاً کارکرد نامناسب نیروی زرهی ارتش اسرائیل و از کار افتادن سیستم دفاع ضد موشکی آرو، موجب بازنگری و بازبینی کیفیت فناوری صنعتی - نظامی خواهد شد. به عبارت دیگر برتری فناوری به‌عنوان یکی از اصول راهبرد امنیت ملی اسرائیل مورد تأکید و تقویت بیشتر قرار خواهد گرفت. به‌گونه‌ای که ردیابی و رهگیری موشک‌های کوتاه‌برد و مقابله با موشک‌های ضدتانک میسر گردد. فراتر از این، اسرائیل تلاش خواهد کرد برتری تکنولوژیک خود را به حوزه‌های غیرنظامی نیز گسترش دهد تا سیطره و سلطه اقتصادی - تجاری نیز در کنار هژمونی نظامی تأمین شود.

جنگ ۳۳ روزه علاوه بر به چالش کشیدن راهبرد امنیت ملی اسرائیل، پیامدهای راهبردی دیگری را نیز برای اسرائیل در پی خواهد داشت. اول، اسطوره شکست‌ناپذیری ارتش اسرائیل و نفوذناپذیری سد دفاعی آن باطل و نقص شد؛ دوم باعث به حاشیه رفتن گفتمان صلح و غلبه یافتن گفتمان مقاومت در جهان عرب خواهد شد. سوم؛ برتری و تفوق نظامی و تسلیحاتی نمی‌تواند پیروزی اسرائیل را از پیش تضمین کند و مقاومت ضد اسرائیلی را متوقف سازد. بلکه، می‌توان با استفاده بهینه از نقاط قوت خود و آسیب‌پذیری اسرائیل، از پیروزی آن جلوگیری نمود؛ چهارم شبح جنگ لبنان برای مدتی بر ارتش اسرائیل سایه خواهد افکند و آن را در حالت دفاعی قرار خواهد داد؛ پنجم اسرائیل تنها در موضع ضعف و قدرت اعراب حاضر به مذاکره و انتخاب گزینه سیاسی و غیرنظامی است؛ ششم ناکامی اسرائیل در جنگ لبنان موجب تنزل جایگاه اسرائیل و ارتقای نقش و منزلت منطقه‌ای دشمنان آن به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران شده است.

اسرائیل در سهای دیگری نیز از جنگ ۳۳ روزه خواهد گرفت. اولاً چگونگی مقابله با تهدیدهای نامتقارن ناشی از جنگهای چریکی و نامنظم در راهبرد امنیت ملی اسرائیل اهمیت و اولویت خواهد یافت، چون راهبرد امنیت ملی اسرائیل تاکنون بیشتر برای رویارویی با تهدیدهای متقارن برخاسته از ارتشهای کلاسیک و نیروی نظامی منظم تدوین شده است؛ ثانیاً پیشگیری از شکل‌گیری تهدیدهای نظامی جایگزین اصل پیشدستی عملیاتی برای مهار نیروی مقاومت اسلامی در جنوب لبنان خواهد شد. پیامد منطقی این تحول پیگیری و اعمال دو سیاست در عرصه داخلی لبنان و سطح منطقه‌ای بوده است. یکی از ارکان سیاست پیشگیری اسرائیل تضعیف موقعیت و منزلت سیاسی - اجتماعی حزب ... در ساختار سیاسی و اجتماعی لبنان است. به گونه‌ای پس از پایان جنگ، اسرائیل تلاش کرده است در چارچوب قطعنامه‌های ۱۵۵۹ و ۱۷۰۱ ضمن حمایت از مخالفان حزب ... آن را خلع سلاح و منزوی سازد. بُعد دیگر، سیاست پیشگیری، اعمال فشار فزونی بر جمهوری اسلامی ایران و سوریه به‌عنوان متحدان استراتژیک حزب ... می‌باشد، به گونه‌ای که اسرائیل پیشقراول مخالفت با برنامه هسته‌ای ایران و تلاش برای توقف آن بوده است؛ ثالثاً اسرائیل جهت مقابله با تهدیدها و جنگهای موشکی و شهری، توجه ویژه‌ای به تقویت دفاع مدنی و شهری در راهبرد امنیت ملی خود خواهد داشت. زیرا، در جریان جنگ اخیر، موشک‌باران مناطق شمالی اسرائیل یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف اسرائیل و از عوامل برتری حزب ... بود، امری که ناامنی روانی و اجتماعی بی‌سابقه‌ای را پدید آورد و مجادلات سیاسی حادی را در اسرائیل دامن زد.

پی‌نوشتها

۱. برای مطالعه بیشتر، نک:
پپلیس، جان، کن بوث و دیگران (۱۳۷۴)، *استراتژی معاصر: نظریات و خط‌مشیها*، ترجمه هوشمند میرفخرایی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ص ۳؛ ریچارد اچ. شولتز (۱۳۸۱)، «مطالعات امنیت ملی قبل از جنگ سرد» *مطالعات امنیت ملی*، ترجمه اصغر افتخاری، تهران: پژوهشکده، مطالعات راهبردی، ص ۸۱
۲. برای توضیح بیشتر، نک:
Harold Lasswell (1962), "The Garrison State Hypothesis". Today, in S.P. Huntington (ed), *Changing Pattern of Military Politics*, New York: Free Press, pp. 51-70.
۳. هادیان، ناصر، «ماهیت غیرمدنی دولت اسرائیل»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال دوم، شماره ۹.
۴. جهت مطالعه بیشتر، نک:
کرمی، جهانگیر (۱۳۷۶)، «استراتژی نظامی و برنامه‌های تسلیحاتی اسرائیل»، *مجله سیاست دفاعی*، سال پنجم، شماره دوم، صص ۷ - ۳۰.
۵. برخلاف تخیلها و ارزیابیهای اولیه بسیاری از تحلیل‌گران و صاحب‌نظران با اشاره به اسناد و مدارک موجود نشان داده‌اند که حمله اسرائیل از ماهها پیش برنامه‌ریزی شده بود. برای نمونه سیمور هرش در مقاله‌ای در مورخ ۱۲ اگوست ۲۰۰۶ در روزنامه نیویورکو بعضی از این شواهد و قرائن را توضیح داده است.
۶. به نقل از روزنامه *الخلیج*، ۲۰۰۶/۸/۱۵، ص ۱۷.
۷. جهت توضیح بیشتر، نک:
Michael I. Handel (1973), *Israel's Political – Military Doctrine*, Cambridge, MA: Harvard University Occasional Paper, July.
۸. برای مطالعه بیشتر، نک:
Efraim, Inbar (1983), «Israel Strategic Thinking After 1973», *Journal of Strategic Studies*, No. 6, March.

۸. برای توضیحات بیشتر، نک: لطفیان، سعیده (۱۳۷۸)، «سیاست امنیت ملی اسرائیل: فرضیه و تحلیل»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال ششم، شماره ۱.
۹. برای آگاهی بیشتر در مورد ماهیت و ویژگیهای راهبرد سنتی اسرائیل، نک: فرهادی نیا، حمید و سیدجمال حسینی (۱۳۷۹)، «سیر تطور مفهوم امنیت ملی در اسرائیل»، *ماهنامه نگاه*، سال اول، شماره ۶، شهریور، صص ۱۴-۱۸.
۱۰. بسیاری از نویسندگان و تحلیل‌گران اسرائیلی به ناتوانی ارتش و راه‌حل نظامی در تأمین امنیت ملی اسرائیل اشاره کرده‌اند. برای نمونه زئیف شیف، در شماره مورخ ۲۰۰۶/۸/۱۱ *روزنامه هآرتص*، شکست ارتش اسرائیل را مورد بحث و بررسی قرار داده است. الکس فیشمان، در *روزنامه یدیعوت عئل* و عوامل ناکامی اسرائیل در جنگ با حزب ... را تجزیه و تحلیل نموده است، ترجمه این مقاله در *روزنامه الخلیج* مورخ ۲۰۰۶/۸/۱۹ چاپ شده است. جدعون ساهت در مقاله‌ای در *روزنامه هآرتص* که ترجمه آن در *روزنامه الخلیج* مورخ ۲۰۰۶/۸/۱۷ درج شده، اتکای بیش از حد و صرف به نیروی نظامی و ارتش برای تأمین امنیت ملی اسرائیل را مورد انتقاد قرار داده است. همچنین *روزنامه هآرتص* در سرمقاله مورخ ۲۰۰۶/۸/۲۰ خود، صراحتاً، راهبرد نظامی و جنگ به‌عنوان تنها راه‌حل تأمین امنیت ملی را نامناسب دانسته و به جای آن مذاکره و دیپلماسی راه پیشنهاد شده است.
۱۱. بعضی از تحلیل‌گران اسرائیل به‌علل ناکامی و ناکارآمدی، این اصل را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. برای مثال، نک: مقاله زئیف شیف در *روزنامه هآرتص*، مورخ ۲۰۰۶/۸/۱۱.
۱۲. قدرت موشکی حزب ... به اندازه‌ای غافلگیرانه بود که تقریباً کلیه استراتژیستهای اسرائیلی آن را مهم‌ترین عامل شکست ارتش اسرائیل قلمداد می‌کنند. برای نمونه گای معیان در مقاله خود در *روزنامه معاریو*، که ترجمه آن در *روزنامه الخلیج* مورخ ۲۰۰۶/۸/۱۷ به چاپ رسیده، به این موضوع اشاره کرده است. همچنین، نک: گزارش تحلیلی *روزنامه البیان* مورخ ۲۰۰۶/۸/۱۶، ص ۱۵ از دیدگاهها و اظهارنظرهای نخبگان اسرائیلی.
۱۳. معمولاً یکی از مؤلفه‌ها و علل پیروزی ارتش اسرائیل در نبرد با اعراب، جنگ اطلاعاتی و جاسوسی بوده است. اما در جنگ ۳۳ روزه، برخلاف معمول، حزب ... توانست در این نبرد پیروز شود. عاملی که تحلیل‌گران اسرائیل آن را یکی از دلایل شکست ارتش اسرائیل برشمرده‌اند. برای مثال، نک: به الکس فیشمان، پیشین، زئیف شیفت، پیشین.

۱۴. اصل بازدارندگی مهم‌ترین رکن و محور راهبرد نظامی اسرائیل می‌باشد. برای مطالعه بیشتر در این خصوص، نک: غازی اسماعیل ربابعه، (۱۳۶۸) *استراتژی اسرائیل*، ترجمه محمدرضا فاطمی، تهران: نشر سفیر.

۱۵. بسیاری از نویسندگان اسرائیلی و عرب، مهم‌ترین پیامد جنگ ۳۳ روزه را بی‌اثر و خنثی شدن قدرت بازدارندگی ارتش اسرائیل می‌دانند. برای نمونه، نک: عزمی بشاره، حول‌الاحفاق و النجاح، *الخليج*، ۲۰۰۶/۸/۱۷، ص ۱۴۰؛ عونی صادق، «تآكل الأمن الإسرائيلي»، *الخليج*، ۲۰۰۶/۹/۲، ص ۱۵۰؛ مغازی البدرای، «نظريه الورع بالظن»، *البيان*، ۲۰۰۶/۸/۲۱، ص ۲۸؛ یوفنان شام اورنو سیده معرف اسرائیلی در روزنامه *معاریو مورخ* ۲۰۰۶/۸/۲ صراحتاً از شکست اصل بازدارندگی اسرائیل سخن گفته است.

۱۶. به نقل از روزنامه *الخليج*، ۲۰۰۶/۸/۲۳، ص ۲۱.

<http://www.irdc.ir/news.asp?id=943>.

۱۷. به نقل از:

<http://www.irdc.ir/news.asp?id=943>.

۱۸. به نقل از:

۱۹. به نقل از: روزنامه *الخليج*، مورخ ۲۰۰۶/۸/۲۰، ص ۱۳.

۲۰. برای نمونه روزنامه *هاآرتص* در سرمقاله مورخ ۲۰۰۶/۸/۲۳، علل ناکارآمدی راهبرد نظامی اسرائیل و لزوم بازنگری آن را مورد بحث و بررسی قرار داده است.

۲۱. جهت مطالعه بیشتر، نک:

ولید رباح، «هل سیغیر حزب... استراتیجیه الجبوش النظامیه؟» *الخليج*، ۲۰۰۶/۸/۲۲، ص ۱۵.

۲۲. به‌عنوان مثال روزنامه *هاآرتص* در سرمقاله مورخ ۲۰۰۶/۸/۲۰ خود ناکارآمدی نیروی نظامی و جنگ در تأمین امنیت ملی اسرائیل را مورد بحث و بررسی قرار داده است. بعضی از صاحب‌نظران عرب نیز به این موضوع پرداخته‌اند. برای نمونه، نک: عبدالهادی بوطالب، «آن الاوان آن تجرب اسرائیل حسن التفاهم»، *الخليج*، ۲۰۰۶/۸/۲۱، ص ۱۵۰؛ عاطف الغمری، «هل انتهت حرب اسرائیل؟» *الخليج*، ۲۰۰۶/۸/۱۲، ص ۱۲۰.

۲۳. برای آگاهی بیشتر، نک: توفیق المدینتی، «مجازارهاب الدوله الصهيونیه»، *الخليج*، مورخ ۲۰۰۶/۸/۱۳، ص ۱۵.

۲۴. ناجیف حتی، «تداعیات اسرائیلیه للحرب علی لبنان»، *البيان*، ۲۰۰۶/۸/۲۷، ص ۲۴.

۲۵. برای اطلاع بیشتر درمورد اختلافات و مجادلات موجود در درون اسرائیل، نک:

ماجد کیایی، «النقد الاسرائیلی للحرب ضد لبنان»، البيان، ۲۰۰۶/۸/۱۹، ص ۲۹.
ترکی علی الربیعو، «هل كانت اسرائیل بحاجة الى هزيمة عسكرية، الخلیج، ۲۰۰۶/۸/۲۱، ص ۱۲.
۲۶. برای مطالعه بیشتر، نک:

حسین العوادات، «تداعیات الحرب»، البيان، ۲۰۰۶/۸/۱۹، ص ۲۸.
۲۷. برای توضیح بیشتر، نک:

Shimon Peres and Anye Naor (1993), *The Mew Middle East*, NewYork:
Henry Holf.

۲۸. جهت آگاهی بیشتر در مورد تغییر و تحول مفهوم بازدارندگی در راهبرد نظامی اسرائیل، نک:
Efraim Inbar and Samuel Sandler (1993/4), «Israeli Deference Strategy
revisited», *Security Studis*, 3, Winter.

۲۹. برای مطالعه بیشتر در مورد پیامد جنگ برای ایران، نک:
ایان، بریمر، «ایران و حزب لبنان»، روزنامه البيان، ۲۰۰۶/۸/۱۸، ص ۲۲.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی